

روز قضاوت

شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۳

شماره ۴۲۱۰

FARHIKHTEGANDAILY.COM

۰۰۰

FARHIKHTEGANONLINE

روز قضاوت

روز قضاوت

روز قضاوت

روز قضاوت

درباره اصلاح طلبان رادیکال و تجربه تاریخی‌شان از مجلس ششم تا امروز

خالص‌سازی می‌کنم پس هستم



علی مزروعی

خبرنگار گروه نقد روز

مسعود پزشکیان که در ایام تبلیغات انتخاباتی همدلی را به عنوان یکی از مهم‌ترین شعارهای انتخاباتی خود برگزیده بود و پس از پیروزی نیز بر لزوم تشکیل کابینه‌ای متکی بر وفاق ملی تأکید داشت، در عمل برای اجرایی کردن این رویکرد با موانع متعددی از چهره‌های سیاسی نزدیک به خود مواجه شد. انتخاب چند چهره غیراصلاح‌طلب به عنوان وزیر باعث شد چهره‌های مختلفی از اصلاح‌طلبان تویخانه انتقادات‌شان را به سمت پزشکیان بگیرند. دامنه فشارها به رئیس‌جمهور برای عدول از رویکرد خود صرفاً به انتقادات چهره‌های اصلاح‌طلب محدود نمانده و محمد جواد ظریف در اقدامی که اعتراض به فهرست کابینه پیشنهادی ازبایی می‌شد از معاونت راهبردی استعفا داد. معاونتی که مدت نامنسیش به دو هفته هم نرسید. فشاری که اصلاح‌طلبان برای تحقق مطالبات سهم خواهانه‌شان به پزشکیان وارد می‌آورند پیش از این توسط آنها به دولت خاتمی اعمال می‌شد تا چهره‌های غیراصلاح‌طلب از صحنه حذف شوند. تکرار رفتارهای سهم خواهانه باعث می‌شود برجسته خالص‌سازی بیش از هرگروه سیاسی با نام اصلاحات عجیب باشد.

۰۰۰

وقتی عیار شعارها مشخص می‌شود

ظریف با وجود اینکه به گفته خودش ۱۰ نفر از وزرای معرفی شده جزء گزینه‌های شورای راهبردی انتقال قدرت بوده‌اند نسبت به فهرست نهایی وزرا معترض است. این درحالی است که او پیش از این گفته بود شورای انتقالی صرفاً جنبه مشورتی دارد و دزنهايت رئیس‌جمهور می‌تواند کابینه مورد نظر خود را از بین گزینه‌های شورای انتقالی یا بیرون از آن انتخاب کند. حال اما در اقدامی متناقض با این اظهارات ظریف از معاونت راهبردی استعفا داده تا نشان دهد از همان ابتدا اعتقادی به شانیت مشورتی شورا نداشته و خواهان تحقق حداکثری نظرات آن بوده است. اصلاح‌طلبانی که در ایام انتخابات کمپین انتخاباتی رقیب را به خالص‌سازی متهم می‌کردند اکنون خود به نماد خالص‌سازی تبدیل شده و به چیزی جز تحقق حداکثری سهم‌شان از کابینه قانع نمی‌شوند. پیش از این در گزارشی که با عنوان «کمپین فشار به رئیس‌جمهور از کجا کلید خورد» منتشر شد رویکرد سهم خواهانه اصلاح‌طلبان در مورد کابینه دولت چهاردهم مورد تشریح قرار گرفت اما مرور سابقه سیاسی آنها در برهه‌های گذشته نشان می‌دهد خالص‌سازی

امری است که گویا با مشی سیاسی برخی اصلاح‌طلبان عجین شده است. همین مشی نیز باعث شد تا پس از پیروزی در انتخابات دوم خرداد برای حذف هاشمی‌رفسنجانی از قدرت تلاش و در ادامه سیاست فتح سنگر به سنگر را تئوریزه کنند. رویکرد خالص‌سازانه باعث شد تا دولت دوم خاتمی ترکیبی کاملاً متفاوت با دولت اول داشته و در زیر بویغ اصلاح‌طلبان درآید.

پزشکیان می‌خواهد دولت اول خاتمی باشد نه دوم

اصلاح‌طلبانی که سعی دارند با عبور از روحانی دولت پزشکیان را با دولت خاتمی همانندسازی کنند باید توجه داشته باشند چنین تشابهی را شاید بتوان تنها با دولت اول خاتمی قائل شد. در دولت هفتم، سیدمحمد خاتمی با رویکردی ائتلافی حتی برای جریان رقیب خود نیز در کابینه سهم قائل شده بود. در این دولت محمد شرعتمداری که در رقابت‌های انتخاباتی ریاست ستاد ری شهری را برعهده داشت وزارت بازرگانی را عهده‌دار شد. وزارت اطلاعات نیز نخست به قریانعلی دری نجف‌آبادی از نمایندگان مجلس پنجم و حامیان ناطق‌نوری سپرده شد. این‌انتخاب انتقادات اصلاح‌طلبان به کابینه را درپی داشت اما با استعفاى دری‌نجف‌آبادی در سال ۷۷، علی یونسی دیگر حامی انتخاباتی ناطق‌نوری برای این وزارتخانه انتخاب شد. حسین مظفر، محمد سعیدی‌کیا و علی شمسخانی دیگر چهره‌های غیراصلاح‌طلبی بودند که توانستند در دولت هفتم صاحب کرسی وزارت شوند. حسن روحانی نیز به عنوان یکی دیگر از حامیان ناطق‌نوری، دبیری شورای امنیت ملی را برعهده گرفت. علاوه بر این، ۱۴۰ نفر نیز از حزب کارگزاران سازندگی که وارد ائتلاف انتخاباتی خاتمی شده بودند توانستند از کابینه‌سهم بگیرند. ۹ وزیر و ۵ معاون رئیس‌جمهور را اعضای حزب کارگزاران تشکیل می‌دادند که در راس آنها حسن حبیبی به عنوان معاون اول قرار داشت. با تغییر ترکیب مجلس به نفع اصلاح‌طلبان رویکردهای ائتلافی نیز کنار گذاشته شد و اصلاح‌طلبان که حتی هاشمی‌رفسنجانی را نیز حذف کرده بودند با خیال راحت‌تری پروژه خالص‌سازی را زیر شعار «فتح سنگر به سنگر» پیش بردند. اصلاح‌طلبان نیز که از رویکرد ائتلافی به مراتب کم‌رنگ‌تر پزشکیان در مقایسه با دولت هفتم برآشفته هستند از رئیس‌جمهور منتخب یک کابینه اصلاح‌طلب خالص‌را مطالبه می‌کنند. کابینه‌ای که در آن منافع حزبی و جناحی نسبت به رفع مشکلات کشور ارجحیت داشته باشد.

خالص‌سازی با حذف هاشمی آغازشد

اصلاح‌طلبان که در انتخابات هفتمین دوره ریاست‌جمهوری با هاشمی‌رفسنجانی ائتلاف کرده و ظرفیت انتخاباتی او را برای رقابت

درباره رویای پزشک شدن مدال‌آور ایران در المپیک

حفظ مبینا و عدالت با هم



علی ملکی

خبرنگار گروه نقد روز

مشعل المپیک پاریس خاموش شده‌اماتور حواشی آن همچنان داغ است. از همین رو درخواست تکواندوکار جوان تیم ملی کشوریمان از رئیس‌جمهور بلافاصله پس از کسب مدال برنز یا واکنش‌های زیادی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی رویه‌رو شد. «پذیرش بدون تکنور در دانشگاه» همان خواسته‌ای بود که افتخارآفرینی مبینا نعمت‌زاده را به حاشیه برد و اجازه نداد کسب مدال‌ش مثل دیگر ورزشکاران مورد توجه واقع شود. فهريمانان المپيکي همان‌طور که خودشان هم کم‌وبیش در مصاحبه‌ها گفته‌اند، شرایط و امکانات مناسبی برای انجام تمرینات ورزشی ندارند. این حق آنهاست که وقتی در این شرایط موفق به کسب مدال آن هم در رقابت‌های المپیک می‌شوند، مطالبات‌شان که منطبق با نیازهای حرفه‌ای‌شان است را مطرح کنند. درخواست مبینا نعمت‌زاده اما متفاوت از این بود. البته براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تمامی فهريمانان ورزشی دارای مدال طلا، نقره و برنز مسابقات المپیک، جهانی و آسیایی می‌توانند بدون شرکت در آزمون در رشته علوم ورزشی ادامه تحصیل دهند. اما همان‌طور که از ابتدا انتظار می‌رفت، بیان علاقه به رشته پزشکی از سوی نعمت‌زاده و تأکید بر آن در برنامه تلویزیونی، او را با موجی از انتقادات رویه‌رو کرد. این انتقادها اما در برخی از موارد از حالت طبیعی خود خارج شده و شکل حمله‌های مغرضانه به خود می‌گیرند که ممکن است تبعات خوبی به همراه نداشته باشند.

۰۰۰

به پزشک فداکار مدال المپیک نمی‌دهند

بخش بزرگی از انتقاد‌های واردشده به نعمت‌زاده، مربوط به درخواست استفاده از ابزار «سهمیه» در پذیرش تکنکور است. اصل مساله سهمیه‌کنکوری طی سال‌ها محل بحث و ابهام بوده و اختلافات ریشه‌ای و مهمی بر سر سازوکار آن وجود دارد اما فارغ از این مسائل، طبق قانون اساسا پذیرش یک فهريمان و مدال‌آور در رشته‌ای غیرورزشی تعریف نشده‌است. بنابراین پذیرش مبینا نعمت‌زاده در رشته پزشکی از اساس کاری غیرقانونی است. رئیس دانشگاه تهران هم که در ابتدا گفته بود این دانشگاه برای پذیرش بدون تکنکور نعمت‌زاده آمادگی دارد، پس از موج انتقادها و البته روشن شدن رشته مورد علاقه نعمت‌زاده، روز گذشته با تکذیب پذیرش او در رشته پزشکی اعلام کرد پذیرش دانشجوی در دانشگاه علوم پزشکی تهران طبق ضابطه خواهد بود. نکته دیگر اما رشته انتخابی مبینا برای تحصیل است. شاید اگر او هر رشته‌ای غیر از پزشکی را انتخاب می‌کرد، مورد این حجم از حمله قرار نمی‌گرفت. رشته و شغل پزشکی تنها در ایران که در کشورهای دیگر هم حساسیت بالایی دارد و به سبب ارتباط مستقیمش با جان مردم، راه ساده‌ای برای پذیرش در آن ندارد. این رشته حساس است و وارد کردن ورزشکار به آن، بدون مقدمات علمی قابل دفاع، مثل دادن یک مدال ورزشی به فداکارترین دکتر دنیاست. داوطلبانی که رویای پزشک شدن را در سر دارند، فشارهای زیادی را در دوره مطالعه برای تکنکور متحمل می‌شوند. بخشی از این فشارها به دلیل متقاضیان بالایی این رشته در مقابل ظرفیت محدود پذیرش دانشگاه‌هاست و بخشی از آن هم به دلیل حساسیت بالایی رشته است. پذیرش نعمت‌زاده در این رشته بدون تکنکور شدن دشواری‌هایی که داوطلبان عادی متحمل می‌شوند، علاوه بر غیرقانونی بودن و حساس بودن، به‌نوعی خلاف عدالت هم است. رسیدن بدون ضابطه ورزشکاران به صندلی‌های رشته پزشکی منجر به ناامیدی و یأس دیگر داوطلبانی می‌شود که این مسیر پرچالش را طی می‌کنند. عکس آن هم همین است. یک پزشک درخواست نمی‌کند چون سال‌ها درس خوانده و در مناطق محروم طبابت کرده مدال ورزشی بگیرد.

با ناطق‌نوری به کار گرفته بودند پس از پیروزی متولف خود را نیز کنار رانده تا نشان دهند آنها به چیزی جز سهم حداکثری از کیک قدرت قانع نمی‌شوند. چهره‌های شاخص اصلاح‌طلبان با تعابیری همچون انحصارطلب، پدرخوانده و عالی‌جناب سرخپوش به تقابل با هاشمی‌رفته و برای رای نیاوردن او در انتخابات مجلس ششم تلاش کردند. اصلاح‌طلبان معتقد بودند حضور هاشمی‌رفسنجانی در مجلس ششم ممکن است مانع اجرای آنها شود. به همین دلیل، آنها تلاش کردند تا با کاهش شانس انتخاب او به عنوان نماینده، نفوذ و تأثیرگذاری او را در مجلس محدود کنند. از آنجایی که هاشمی‌رفسنجانی در آن زمان با انتقادات زیادی از سوی جامعه و برخی نخبگان مواجه بود و اصلاح‌طلبان با استفاده از این ناراضیاتی‌ها، به دنبال کاهش حمایت عمومی از او بودند، این تقابل باعث شد تا هاشمی‌رفسنجانی به لطف بازشماری آرایه عنوان نفر سی‌ام وارد مجلس شود. به همین دلیل نیز او دزنهايت از حضور در مجلس ششم منصرف شد. اصلاح‌طلبان تقابل با هاشمی را به این جهت آغاز کردند که درصورت پیروزی در انتخابات دوره هشتم از دادن سهم به نیروهای نزدیک به هاشمی تا حد زیادی معاف شده و رویکرد تمامیت‌خواهانه خود را راحت‌تر جلو ببرند.

فقط دوم خردادی‌ها بمانند

برخی از چهره‌های تندروتر اصلاح‌طلبان در دوران پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و به‌طور ویژه‌تر پس از پیروزی در انتخابات مجلس ششم سرسخت از پیروزی به‌دست‌آمده به دنبال آن بودند تا کابینه دولت خاتمی را به نفع اصلاح‌طلبان خالص کنند. محمدرضا خاتمی در تبلیغات انتخاباتی در مشهد در این باره به تندی می‌گوید: «هرکس پیام دوم خرداد را درک نکرده باید کنار برود. هرکس که با اصلاحات نیست، نابود شود.» سعید حجاریان در برخی از نوشته‌ها و مصاحبه‌های خود به لزوم تغییرات ساختاری و ضرورت کنار گذاشتن نیروهایی که مانع اصلاحات هستند، اشاره کرده است. یکی از موارد مهم، مقاله‌ای است که او در روزنامه «صبح امروز» که تحت مدیریت خودش بود در سال ۱۳۷۸ منتشر کرد. در این مقاله، حجاریان به ضرورت «اصلاحات ساختاری» اشاره و به‌طور غیرمستقیم این پیام را مطرح کرد که اگر نیروهای مخالف اصلاحات نتوانند خود را با تحولات جدید تطبیق دهند، باید از صحنه سیاسی کنار گذاشته شوند. او به‌ویژه بر این نکته تأکید داشت که برای پیشبرد اصلاحات، باید نهادهای قدرت با مطالبات مردم هماهنگ شوند. همچنین حجاریان در برخی از سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها به صراحت از «توسعه سیاسی» و «اصلاحات بنیادین» صحبت می‌کرد و بر لزوم

کنار گذاشتن ساختارها و افرادی که با این تحولات مخالف هستند، تأکید داشت. جلایی‌پور در مقاله‌ای که در روزنامه «خراسان» منتشر شد در این باره نوشت: «برای اجرای برنامه‌های اصلاحی به‌طور مؤثرتر، باید تغییراتی در کابینه صورت گیرد که این تغییرات شامل حذف برخی از افراد غیراصلاح‌طلب خواهد بود.» عبدالله نوری در جلسه شورای مرکزی حزب همبستگی لزوم تغییر کابینه دولت خاتمی به نفع اصلاح‌طلبان را این‌گونه مورد تأکید قرار داد: «کابینه باید به سمتی برود که بیشتر با خط مشی اصلاحات همخوانی داشته باشد و لازم است تغییراتی در آن صورت گیرد.»

پاسخ پیام ۲ خردادی‌ها در انتخابات ۸۴ دریافت شد

اصلاح‌طلبان پس از آنکه توانستند در کارزار انتخاباتی ریاست‌جمهوری هفتم و سپس مجلس ششم پیروز شوند این سودا را در سر پیروراندند که بتوانند به تدریج سهم خود از قدرت را افزایش دهند. آنها برای این منظور استراتژی تمامیت‌خواهانه‌ای را با عنوان «فتح سنگر به سنگر» درپیش گرفتند. این رویکرد به‌طور غیررسمی و در برخی مواقع به صورت علنی در صحبت‌ها و برنامه‌های اصلاح‌طلبان مطرح و دزنهايت به تغییرات قابل توجهی در ترکیب و سیاست‌های دولتی منجر شد. حسین مرعشی در گفت‌وگو با ایرنا، استراتژی «فتح سنگر به سنگر» را این‌گونه تشریح کرد: «ما باید از هر فرصت برای پیشبرد اصلاحات استفاده کنیم و تغییرات تدریجی در تمام بخش‌های دولتی را در دستور کار داشته باشیم.» با پایان دوره دوم ریاست‌جمهوری خاتمی در سال ۱۳۸۴ و پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات، استراتژی «فتح سنگر به سنگر» عملاً به بن‌بست رسید و اصلاح‌طلبان به حاشیه رانده شدند. اصلاح‌طلبان که با پیروزی در دوم خرداد مدعی تغییر در فضای جامعه بوده و هرکسی که به زعم‌شان پیام دوم خرداد را درک نکرده حذف می‌کردند، خود در سال ۸۴ با پاسخ منفی مردم مواجه شدند. البته مسیر شکست این پروژه از انتخابات مجلس در سال ۸۲ آغاز شد. جایی که نمایندگان اصلاح‌طلب در اقلیت قرار گرفته و غلامعلی حداد عادل به عنوان رئیس مجلس انتخاب شد. بهترین پیامی که آنها می‌توانستند از انتخابات ۸۴ دریافت کنند این بود که در پی رویکردهای تمامیت‌خواهانه عملکرد آنها در حل چالش‌های اقتصادی و اجتماعی به قدری محل تردید قرار گرفت که جامعه به فردی باگفت‌مان عدالت رای داد و گفتمان آزادی‌های اجتماعی که اصلاح‌طلبان آن را پیام دوم خرداد می‌دانستند، ارجحیت داده نشد. کسانی که اکنون برای پزشکیان نیز خالص‌سازی را تجویز می‌کنند بد نیست یک بار سابقاً سیاست‌شان را مرور کرده و حاصل رویکردهای تمامیت‌خواهانه را مشاهده کنند.

روز قضاوت



قرابتی با وضع موجود ندارد حرف بزنی و در گفت‌وگوهای بعدی هم بر آن اصرار کنی، به خودی خود این پیام را می‌رساند که «پزشکی خواندن» از «مدال المپیک» با ارزش‌تر است. از سوی دیگر این موضوع ثابت شده که همزمان با نمایشی خوب از ورزش‌های مختلف ازجمله ورزش‌های رزمی که روح حماسی بیشتری دارد، اقبال جامعه نسبت به آن ورزش تقویت می‌شود. یعنی وقتی همه تکواندوکاران اعزامی ما به پاریس با ارزه بازی خوب صاحب مدال می‌شوند، مردم تشویق می‌شوند تا خودشان یا فرزندشان را در باشگاه‌های رزمی ثبت‌نام کنند. مردمی که از مدال گرفتن یک دختر ۱۹ساله شگفت‌زده شده‌اند، طولی نمی‌کشند درخواست این ورزشکار برای ورود به دانشکده پزشکی رویه‌رو می‌شوند. این امر باعث می‌شود قهرمانی که می‌توانسته الگویی برای دختران جوان علاقه‌مند به تکواندو باشد، حالا ناخواسته انگیزه آنها را متاثر از رفتار خود کاهش داده است. جدای از این اوصاف، او هنوز سهمیه‌ای برای حضور در رشته پزشکی دریافت نکرده اما بارش را بر دوش می‌کشد. فرض را بر این بگذاریم که با درخواست مبینا نعمت‌زاده موافقت شده و او می‌تواند بدون شرکت در تکنور سراسری، مستقیماً وارد دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران شود و درس‌های دشوار این رشته را هم با نمره قبولی بگذراند. مساله این است که با فشار روانی شناخته شدن به عنوان یک «پزشک سهمیه‌ای» در کنار فشارها و چالش‌های سنگین خود پزشکی‌چطور تعامل خواهد کرد؟ مبینا نعمت‌زاده، دارنده مدال برنز تکواندو ایران با مبارزات تماشایی خود نشان داد سخت برای رسیدن به سکوی قهرمانی المپیک جنگیده و تمرینات سختی را پشت سر گذاشته است. بنابراین او خوب می‌داند رسیدن به جایگاه‌های مهم تاشی مضاعف می‌خواهد و به راحتی قابل دست یافتن نیست.

استعداد‌های آنان، رقابت‌های ملی‌شان می‌تواند پیوندهای اجتماعی را تقویت و شکاف‌های آن را ترمیم کند. درخصوص این ماجرا باید انصاف، عدالت و مبینا نعمت‌زاده را با هم حفظ کنیم. لازمه این امر، خارج کردن دسته دوم منتقدان (بهرتر است بگوییم حمله‌کنندگان) از موضوعیت است. باید میان تقد‌های دلسوزانه و هجمه‌های ناجوانمردانه تفاوت قائل شویم. در اولین قدم، این موضوع را خود مبینا نعمت‌زاده و خانواده‌اش باید فهم کنند. از سوی دیگر این ورزشکار نباید اجر تلاش‌های خود برای رسیدن به مدال برنز المپیک را ضایع کند. طبیعی است که برای رسیدن به هر خواسته مساعی اصولی آن طی شود و اگر او علاقه‌ای به پزشکی دارد، می‌تواند مثل دیگر علاقه‌مندان به این رشته برای رسیدن به آن تلاش کند. در غیر این صورت باید ورزش حرفه‌ای برای او اولویت داشته باشد، چیزی که طی جدیدترین حضورش در برنامه تلویزیونی آن را این‌گونه ابراز داشت که هدفش قطعا در آینده ورزش است و می‌خواهد آن را به‌صورت حرفه‌ای ادامه دهد. این وظیفه مسئولان است که همه امکانات مورد نیاز را برایش فراهم کنند. مبینا نعمت‌زاده با توجه به سنی که دارد می‌تواند حداقل در چهار دوره بازی‌های آسیایی و المپیک‌های آینده شرکت کند. این فرصت خوبی است تا با حمایت و پشتیبانی حرفه‌ای از او و چنین ورزشکارانی، آنان را حفظ و برای المپیک‌ها و رویدادهای آتی آماده کنیم.

یک درخواست و ۳ خطا

دستیابی به هر رنگی از مدال در مسابقات جهانی و به‌خصوص المپیک، کار آسانی نیست. اینکه بلافاصله پس از مسابقه با حرف سرسخت عربستانی، شادی شیرین پیروزی و کسب مدال برنز را محدود کرده و درباره رویایی که

مبینا را حفظ کنید

اهمیت حفظ سرمایه‌های ورزشی وقتی دوچندان می‌شود که علاوه بر ارزشمندی